

[توضیح بیشتر قسم سوم از حادثانِ مجهول التاریخ 1](#_Toc501589404)

[د. ترتب اثر بر نفس عدمِ در زمان حادث دیگر 2](#_Toc501589405)

[تقریب مرحوم نائینی از کلام مرحوم آخوند: شبهه مصداقیه اتصال 3](#_Toc501589406)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در تنبیه یازدهم به قسم سوم از اقسام مجهول التاریخ رسید.

توضیح بیشتر قسم سوم از حادثانِ مجهول التاریخ

بحث در حادثین مجهول التاریخ در قسم سومش بود. در این قسم، اثر برای عدم یکی از حادثین در زمان حادث دیگر است، لکن عدمِ به نحو اتصاف العدم، نه به شکل نفس العدم. برای مثال اگر اثر صحت نماز و امتثال و اجزاء، مترتب بر این باشد که پوشش مصلی در هنگام نماز، متصف به عدم کونه من المحرمات باشد، داخل در قسم سوم خواهد بود.

نظر مرحوم آخوند این است که استصحاب در این قسم، به خاطر نبود حالت سابقه متیقنه، حتی به نحو عدم ازلی هم مقتضی ندارد. حالت سابقه ای وجود ندارد که این پوشش در آن حالت، متصف به (عدم کونه من المحرمات) بوده باشد. این لباس، یا از همان ابتداء، از محرمات بوده است و یا از همان ابتداء، از حیوان حلال گوشت بوده است. پس این که در نسخه ای از کفایه، جریان استصحاب عدم ازلی بیان شده است، به نظر درست نیست[[1]](#footnote-1) و

این عبارت مذکور در کفایه، یا از اغلاط است یا این که باید تأویل شود.

اگر هم استصحاب لیس تامه یا عدم پوشیدن لباس حرام، جاری شود، اثبات موضوع اثر شرعی را نمی کند. در آن زمانی که این لباس را به تن نداشت، لابس محرّم نبود، الان هم این عدم لبس، محقق است، لکن اثبات نمی­شود که این لبس، متصف به عدم کونه من المحرم است.

پس استصحاب اتصاف به عدم، حالت سابقه متیقنه ندارد، و استصحاب عدم اتصاف برای اثبات اتصاف به عدم، دارای مشکل اصل مثبت است.

نکته: ظاهر روایت این است که موضوع حکم به صحت نماز این است که لباس، متصف به غیر حرام بودن باشد. تعبیر روایت به این شکل است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلَ زُرَارَةُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي الثَّعَالِبِ وَ الْفَنَكِ وَ السِّنْجَابِ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْوَبَرِ فَأَخْرَجَ كِتَاباً زَعَمَ أَنَّهُ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّ الصَّلَاةَ فِي وَبَرِ كُلِّ شَيْ‏ءٍ حَرَامٍ أَكْلُهُ فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَ شَعْرِهِ وَ جِلْدِهِ وَ بَوْلِهِ وَ رَوْثِهِ وَ أَلْبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ لَا تُقْبَلُ تِلْكَ الصَّلَاةُ حَتَّى تُصَلِّيَ فِي غَيْرِهِ مِمَّا أَحَلَّ اللَّهُ أَكْلَهُ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَارَةُ هَذَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَاحْفَظْ ذَلِكَ يَا زُرَارَةُ فَإِنْ كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَ بَوْلِهِ وَ شَعْرِهِ وَ رَوْثِهِ وَ أَلْبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ مِنْهُ جَائِزَةٌ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ ذَكِيٌّ قَدْ ذَكَّاهُ الذَّبْحُ فَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا قَدْ نُهِيتَ عَنْ أَكْلِهِ وَ حَرُمَ عَلَيْكَ أَكْلُهُ فَالصَّلَاةُ فِي كُلِّ شَيْ‏ءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ ذَكَّاهُ الذَّبْحُ أَوْ لَمْ يُذَكِّهِ.[[2]](#footnote-2)

نکته: مثال مورد بحث با مثالِ (مرأۀ قرشیۀ) فرق دارد؛ چرا که در مورد بحث، لباس متصف به عدم، موضوع حکم است، ولی در مرأۀ قرشیۀ، عدم اتصاف مرأۀ به قرشیت، موضوع حکم است.

###### د. ترتب اثر بر نفس عدمِ در زمان حادث دیگر

صورت چهارم از حادثان مجهول التاریخ این است که اثر، مترتب بر نفس عدم در زمان حادث دیگر باشد. برای مثال، عدم کریت در زمان ملاقات با نجس، موضوع حکم به نجاست ملاقی است.

اثر انفعال و نجاست، مترتب بر عدم کریتِ در زمان ملاقات است، نه اتصاف به قلّت یا عدم کریت. این مطلب، از این روایت، قابل استفاده است:

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِذَا كَانَ الْمَاءُ قَدْرَ كُرٍّ لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْ‏ءٌ.

مفهوم این روایت این است که موضوع حکم به نجاست، نرسیدن آب به حد کریت (عدم الکریت) است.

مرحوم آخوند در مورد استصحاب در این قسم، قائل به عدم وجود مقتضی در جریان این استصحاب شده اند؛ چرا که اتصال زمان یقین و شک، محرز نیست.

برای مثال اگر نسبت به تحقق کریت و ملاقات با نجس، در مورد آبی یقین پیدا کنیم، لکن به خاطر شک در تقدم و تأخر این دو حادث، شک در نجاست آب کنیم، دو فرض ممکن است: الف. اگر ملاقات مقدم بوده باشد، آب در ساعت دوم نجس شده است و کریت ساعت سوم (به وسیله اضافه کردن مقداری آب)، تاثیری در رفع نجاست ندارد. ب. اگر کریت مقدم بوده باشد، پس ملاقات در ساعت سوم بوده است و این کریت ساعت دوم، سبب می شود که ملاقات با نجس، تأثیری در نجاست آب نداشته باشد.

آن چه که در ابتداء به نظر می رسد این است که در مورد بحث، استصحاب عدم کریتِ ساعت اول تا زمانِ ملاقات جاری شده و اثبات نجاست را می کند. نهایتا این استصحاب با استصحاب عدم الملاقاتِ تا زمانِ کریت(در صورت اثر داشتن)، معارضه می کند.

لکن نظر مرحوم آخوند این است که این استصحاب، مقتضی جریان ندارد؛ چرا که شبهه مصداقیه دلیل استصحاب است. ایشان فرموده اند: لعدم إحراز اتصال زمان شكه و هو زمان حدوث الآخر بزمان يقينه لاحتمال انفصاله عنه باتصال حدوثه به.[[3]](#footnote-3)

تقریب مرحوم نائینی از کلام مرحوم آخوند: شبهه مصداقیه اتصال

این کلام مرحوم آخوند، به چند نحو، تقریب شده است. از جمله این تقریب ها، بیان مرحوم نائینی است که فرموده اند:

در مورد استصحاب عدم کریت تا زمانِ ملاقات، در روز اول، یقین به عدم تحقق کریت و ملاقات داریم و در روز سوم یقین به تحقق هر دو حادث داریم، ولی در تقدم و تأخر آن ها شک داریم. اگر ملاقات در روز دوم بوده باشد، عدم کریتِ در زمانِ ملاقات، متصل به عدم کریت ساعت اول است و اتصال متیقن و مشکوک وجود دارد. اما اگر ملاقات در روز سوم بوده باشد، پس کریت در روز دوم رخ داده و در نتیجه عدم کریتِ ساعت اول، با کریت در ساعت دوم منتقض شده است و لذا عدم کریتِ در روز سوم، متصل به عدم کریت روز اول نیست و استمرار آن محسوب نمی شود.

با توجه به این که عدم کریتِ تا زمانِ ملاقات، دارای دو فرض است که فقط در یک فرض، اتصال وجود دارد، پس وجود اتصال بین متیقن و مشکوک در این استصحاب، محرز نیست و به خاطر شبهه مصداقیه اتصال و نقض الیقین، شمولیت دلیل استصحاب نسبت به این قسم، محرز نیست.

باید توجه داشت که به خاطر عدم یقین به تحقق ملاقات در ساعت دوم، استصحاب عدم کریتِ حین الملاقات، در ساعت دوم صحیح نیست، بلکه اجرای این استصحاب، در زمان سوم که یقین به ملاقات وجود دارد، صحیح می باشد. در ساعت سوم می توانیم بگوییم که شک در کریتِ حال الملاقات داریم، ولی در ساعت دوم نمی­توانیم بگوییم؛ چون که علم به ملاقات نداریم.

پس مورد بحث، شبهه مصداقیه اتصال و به تبع، شبهه مصداقیه نقض الیقین است.

1. [بل قضية الاستصحاب عدم حدوثه كذلك كما لا يخفى‏]. كفاية الأصول، ص: 420 [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص397.](http://lib.eshia.ir/11005/3/397/تصلی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص420.](http://lib.eshia.ir/27004/1/420/احراز) [↑](#footnote-ref-3)